

ساخت و هنجاریابی آزمون رضایتمندی زناشویی در دانشجویان

زهرا خوشنویسان^۱، دکتر غلامعلی افروز^۲ و دکتر علی دلاور^۳

هدف پژوهش حاضر، ایجاد پرسشنامه ای بومی برای سنجش رضایتمندی زناشویی بود. بدین منظور، با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، تعداد ۳۶۹ نفر از دانشجویان متاهل دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد انتخاب و با آزمون محقق ساخته بر اساس پنج نیاز اساسی گلاسر، مورد آزمون قرار گرفتند. ضریب پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد. تحلیل داده ها نشان داد که پنج عامل طراحی شده، ۰/۶۸ واریانس کل را تبیین می کند. در ادامه، نمرات هنجاری به تفکیک جنسیت تنظیم و ارایه شده است.

واژه های کلیدی: رضایتمندی زناشویی، نظریه ی گلاسر

مقدمه

هدف غایی ازدواج، رسیدن به آرامش روان، اعتلای وجود و نیل به رستگاری است. ازدواج محبوب ترین بنای گسترده ی هستی در پیشگاه خالق زوج آفرین است (افروز، ۲۰۰۹). رضایتمندی زناشویی^۴، ویژگی مختص زوجین است که نشان می دهد هر کدام، چگونه ازدواج شان را ارزیابی می کنند. اگر چه تحقیقات زیادی روی رضایتمندی زناشویی و رابطه ی ابعاد مختلف آن با زندگی انسان انجام گرفته است اما این متغیر، هنوز هم موضوع مهمی در ارتباط ها، درمان و عوامل تاثیر گذار بر رضایتمندی زناشویی در فرهنگ های متفاوت است (اراتینکا و وانستین و گن^۵، ۲۰۰۶). مطالعات انجام شده در فرهنگ های مختلف، بیانگر این مطلب است که نارضایتی و دافعه های روانی، ریشه ی اصلی همسرگزیزی، همسرستیزی، طلاق و جدایی است و برعکس، جاذبه های متقابل روانی همسران، تضمین گر احساس آرامش و تجربه ی خوشبختی بین همسران است (افروز،

۱. هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن Mkhoshnevisan25@gmail.com

۲. استاد دانشگاه تهران

۳. استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۲۰۱۰). افزایش آمار طلاق در جوامع، انگیزه‌ای برای محققین است تا عوامل موثر در ثبات و رضایتمندی زناشویی را جستجو کنند. طلاق، یک مشکل اجتماعی حساس با پیامدهای جدی برای سلامت روانی و جسمی همسران و فرزندان است (آدلمن^۱، ۱۹۹۶). زوجینی که از ازدواجشان ناراضی هستند، روابط شان باعث ایجاد استرس های زیاد با عوارض روانی فراوان می شود؛ مانند اختلال های روان-تنی، فشار خون بالا، بیماری های قلبی، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری خودکشی، دیگر کشی، سایکوزها و اختلال های سومصرف مواد (وود^۲ و همکاران، ۲۰۰۷).

باوکم^۳ و همکاران (۱۹۹۶) دریافتند که رضایتمندی زوجین، بیشتر به میزان رضایتی که هر فرد از نحوه ی اجرای معیارهایش با همسر دارد و این که چه میزان در استاندارد هایشان با هم توافق و تشابه دارند، وابسته است. بررسی ها نشان داده است، افرادی که معیارهای همسرشان را رعایت می کنند، وقت و انرژی زیادی برای رابطه شان صرف می کنند و رضایتمندی بیشتری در زندگیشان دارند. وینچ^۴ و همکاران (۱۹۷۴) رضایت زناشویی را انطباق میان وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار تعریف می کنند. رضایت در ازدواج، از طریق مفهوم سازی درون فردی (واکنش هایی که فرد به طور ذهنی تجربه می کند) و یا از طریق مفهوم سازی بین فردی از رضایت زناشویی (به عنوان همخوانی بین انتظارات فرد از دیگری و از همسر) تعریف می شود.

رضایت زناشویی، یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط، ارایه می دهد و یکی از گسترده ترین مفهوم ها برای تعیین و نشان دادن میزان شادی و میزان پایداری رابطه است (ویلسون و همکاران^۵، ۱۹۸۸). زوجین سازگار، همسرانی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطوح روابط شان راضی اند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوب در زمینه ی وقت و مسایل مالی خودشان اعمال می کنند (گریف^۶، ۲۰۰۰). در ازدواج های سعادت‌مندانه، هیچ اختلافی از لحاظ ابراز احساسات، بین زن و مرد وجود ندارد. تحقیقات، نشان می دهد که فرق همسران راضی و همسران غمگین و ناراضی در عدم تعادل احساسات و اعمال منفی و مثبت آنهاست (گاتمن^۷، ۱۹۸۹). با وجود اینکه به نظر می رسد ازدواج، پیوند بسیار خوشایندی است اما آمارها نشان می دهد که رضایت زوجین به آسانی قابل دسترسی نیست (سپینگتون^۸، ۱۹۸۹). زندگی زناشویی، رابطه ای بسیار پیچیده است و آزمونی وجود ندارد تا بتواند، تداوم یا اضمحلال آن را

1. Adelman

2. Wood & others

3. Baucom et al

4. Winch

5. Wilson & others

6. Greef

7. Gottman

8. Sappington

پیش بینی کند. خود زوجین، تنها کسانی هستند که نقاط قوت و ضعف روابط شان را خوب می شناسند و می توانند در مورد آینده ی آن تصمیم گیرند (گاتمن، ۱۹۸۹). یافته های گاتمن (۱۹۹۳) حاکی از آنست که مردان، بیش از زنان گزارش می کنند که از زندگی خود رضایت دارند و زنان بیشتر از مردان تمایل دارند که یک رابطه را ناخوشایند ارزیابی کنند؛ همچنین بیشتر سعی در تغییر آن دارند. گلاسر^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که هر انسانی، ۵ دسته نیاز اساسی دارد که در یک ازدواج موفق باید به نحو رضایتمندی برای طرفین تامین شود و در صورت ناهماهنگی در عدم ارضای آن در طرفین، باعث نارضایتی در ازدواج می شود. این نیازها عبارت اند از: نیاز به بقا؛ نیاز به عشق و محبت؛ نیاز به قدرت؛ نیاز به آزادی و نیاز به تفریح.

دانشجو، قشر تحصیلکرده ی جامعه، با مشکلات خاص خود دست و پنجه نرم می کند اما بعنوان فرد آگاه جامعه باید از نقاط ضعف خود در رضایتمندی زناشویی مطلع گردد و به تصحیح آن پردازد تا در حیطه ی بهداشت روانی و خانواده، به صورتی موفق ظاهر شود. با توجه به اهمیت نیازهای مطرح شده توسط گلاسر و نبود وسیله ی ارزیابی قابل استناد در فرهنگ ایران هدف این پژوهش، ساخت آزمونی جهت ارزیابی میزان رضایتمندی زناشویی بر اساس موارد گفته شده است.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه ی آماری این تحقیق، شامل تمامی دانشجویان متاهل دانشگاه های دولتی شهر مشهد (دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه علوم پزشکی) بود. از این جامعه، ۳۸۵ نفر به صورت خوشه ای چند مرحله ای با توجه به ضوابط نمونه گیری انتخاب شدند و مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار

پرسشنامه ی رضایت زناشویی: این آزمون، یک پرسشنامه ی محقق ساخته است که با توجه به نظریه ی گلاسر تنظیم شده است. به منظور تهیه ی این پرسشنامه، به مبانی نظری موجود مراجعه شد و با تعریف شاخص های رضایت مندی زناشویی بر اساس نظریه ی گلاسر، پرسشنامه ای طراحی شد. این پرسشنامه به صورت مطالعه ی مقدماتی روی ۳۵ نفر اجرا شد و نتایج این مرحله، با آزمون مجذور، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سوالاتی که توزیع فراوانی گزینه های آنها در

1. Glasser

سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نبود، حذف شد و پرسشنامه ی نهایی به ۵۸ سوال کاهش یافت. ضریب پایایی محاسبه شده در این مرحله برابر ۰/۷۶ بود. در این پژوهش، ضرایب اعتبار مجموعه سوال ها دو بار محاسبه گردید، یکبار برای کل مجموعه سوال ها و یکبار بعد از حذف سوال هایی که همبستگی معنادار با کل سوال ها نداشته یا دارای همبستگی کمی بود. ضریب پایایی اولیه ی پرسشنامه ی ۵۸ سوالی (۳۹۶ پاسخ دهنده) برابر ۰/۷۹۱ و ضریب پایایی نهایی، پس از حذف سوالاتی که همبستگی پایین داشتند (۵۳ سوال و ۳۹۶ پاسخ دهنده) برابر ۰/۸۴ بود.

یافته ها

برای پاسخ به این پرسش که آیا مجموعه سوال های پرسشنامه ی محقق ساخته از اعتبار سازه ی مناسبی برخوردار است، از تحلیل عاملی استفاده شد. اصطلاح تحلیل عاملی، مفهوم واحدی نیست بلکه در بر گیرنده ی مراحل نسبتاً متنوع و پیچیده ای است که در آن هر یک از مراحل سه گانه ی آماده کردن ماتریس همبستگی، استخراج عوامل اولیه و چرخش انجام می شود. برای دست یابی به راه حل نهایی و جست و جو برای کشف عوامل ساده و قابل تفسیر برای ارزش یابی ماتریس همبستگی، می توان از دو شاخص کفایت نمونه برداری و آزمون کرویت بارتلت استفاده کرد. در جدول ۱، نتیجه ی آزمون کرویت بارتلت برای ماتریس همبستگی متغیرها ارایه شده است.

جدول ۱: مقدار KMO و نتیجه ی آزمون کرویت بارتلت برای ماتریس همبستگی متغیرها

۰/۷۴۸	آزمون KMO برای کفایت نمونه برداری
۲۰۲۰/۶۳	آزمون کرویت بارتلت تخمین خی دو
۱۵۴۰	درجه ی آزادی
۰/۰۰۱	معناداری

همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است، مقدار KMO برابر ۰/۷۴۸ بوده و آزمون بارتلت نیز معنادار است. مقادیر کوچک KMO بیانگر این است که همبستگی بین زوج متغیرها را نمی توان از طریق سایر متغیرها تبیین کرد (کایسر^۱، ۱۹۷۴). بنابراین، با توجه به کفایت نمونه برداری و معناداری آزمون بارتلت، ماتریس همبستگی داده ها برای تحلیل عاملی مناسب است، پس اجرای تحلیل

عاملی بر پایه ی ماتریس همبستگی مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود. در ادامه، میزان اشتراک هر کدام از سوال ها با کل پرسشنامه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: میزان اشتراک هر سوال با کل پرسشنامه

میزان اشتراک	سوال ها	میزان اشتراک	سوال ها	میزان اشتراک	سوال ها
۷۴۹/۰	۴۱	۷۷۱/۰	۲۱	۰/۵۸۴	۱
۷۲۶/۰	۴۲	۷۰۶/۰	۲۲	۲۳۳/۰	۲
۶۷۴/۰	۴۳	۷۵۷/۰	۲۳	۶۵۳/۰	۳
۷۵۱/۰	۴۴	۷۰۳/۰	۲۴	۸۲۹/۰	۴
۷۷۸/۰	۴۵	۲۸۹/۰	۲۵	۷۶۵/۰	۵
۷۷۰/۰	۴۶	۷۵۱/۰	۲۶	۷۰۴/۰	۶
۸۴۰/۰	۴۷	۷۴۹/۰	۲۷	۸۱۷/۰	۷
۷۹۱/۰	۴۸	۷۰۱/۰	۲۸	۶۴۱/۰	۸
۷۹۶/۰	۴۹	۶۷۰/۰	۲۹	۵۰۶/۰	۹
۲۷۱/۰	۵۰	۲۸۱/۰	۳۰	۶۸۶/۰	۱۰
۴۸۸/۰	۵۱	۸۱۱/۰	۳۱	۲۵۸/۰	۱۱
۷۵۶/۰	۵۲	۷۴۵/۰	۳۲	۶۹۹/۰	۱۲
۷۶۳/۰	۵۳	۷۴۳/۰	۳۳	۷۳۱/۰	۱۳
۷۸۷/۰	۵۴	۷۴۷/۰	۳۴	۶۹۸/۰	۱۴
۸۳۲/۰	۵۵	۷۴۷/۰	۳۵	۶۸۸/۰	۱۵
۸۳۷/۰	۵۶	۷۹۰/۰	۳۶	۷۵۳/۰	۱۶
۸۱۱/۰	۵۷	۸۲۹/۰	۳۷	۷۵۴/۰	۱۷
۷۵۸/۰	۵۸	۷۹۸/۰	۳۸	۶۷۴/۰	۱۸
		۷۷۴/۰	۳۹	۷۰۵/۰	۱۹
		۸۰۵/۰	۴۰	۶۶۲/۰	۲۰

نتایج، نشان می دهد که تمامی مقادیر مرتبط با همبستگی سوال ها (به جز پنج سوال حذف شده) با کل آزمون در راستای تحلیل مولفه های اصلی، بالاتر از ۳۰٪ قرار دارد که نشان از همبستگی بالا بین تک تک سوال ها با کل آزمون و مناسب بودن آن جهت تحلیل عاملی است. تاباکنیک و فیدل^۱ (۱۹۹۶) در مورد ماتریس همبستگی، نتایج بالاتر از ۳۰٪ را در همبستگی ها مناسب می دانند. در تحلیل عاملی، صرفا عامل هایی استخراج می شود که بیشترین میزان واریانس را تبیین کند. اولین مولفه ی اصلی، بیشترین مقدار واریانس را تبیین می کند و مولفه های دیگر به ترتیب اهمیت؛ یعنی

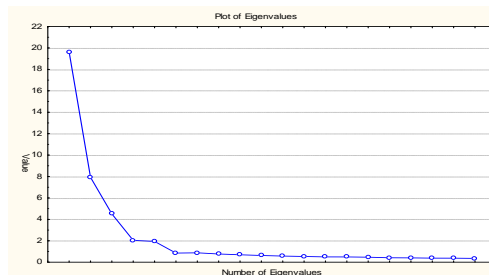
1. Tabachnick & Fidell

بر پایه ی مقدار واریانس که تبیین می کند، استخراج می شود. در عمل می توان عامل هایی را که ارزش ویژه ی (مجموع مجذورات بار عاملی هر عامل) آنها کمتر از یک است را حذف کرد. هر چه مقدار ارزش ویژه ی یک عامل بزرگتر باشد، آن عامل واریانس بیشتری را تبیین می کند (کلاین، ۱۹۹۴).

جدول ۳: خلاصه ی شاخص های آماری اولیه با استفاده از روش تحلیل مولفه های اصلی

مقدار ارزش ویژه ی اولیه			
مولفه	واریانس درصد	تجمعی درصد	مجموع
۱	۳۵/۰۴۹	۳۵/۰۴۹	۱۹/۶۲۷
۲	۱۴/۱۵۳	۴۹/۲۰۲	۷/۹۲۶
۳	۹/۸۴۵	۵۹/۰۴۷	۴/۵۱۳
۴	۵/۴۹۵	۶۴/۵۴۲	۲/۰۴۱
۵	۳/۶۴۳	۶۸/۱۸۵	۱/۴۹۴

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، ۵ عامل، دارای ارزش ویژه ی بیشتر از یک است و به طور کلی ۱۹/۶۸ درصد واریانس کل را تبیین می کند. عامل اول، ۳۵/۰۴۹ درصد؛ عامل دوم، ۱۵/۱۴ درصد؛ عامل سوم، ۹/۸۴۵ درصد؛ عامل چهارم، ۵/۴۹۵ درصد و عامل پنجم، ۳/۶۴۳ درصد واریانس کل را تبیین می کند. برای استخراج تعداد عوامل، باید به مقدار واریانس تبیین شده توسط هر عامل و به خصوص نمودار اسکری توجه کرد.



نمودار ۱: نمودار اسکری جهت تعیین تعداد عوامل

با دقت در نمودار ۱، می توان متوجه شد که تنها پنج عامل از مجموعه عوامل تشکیل دهنده ی پرسشنامه، بالاتر از شیب خط است و بقیه ی عوامل، در یک محدوده و نزدیک به هم قرار دارد.

ماتریس عاملی داده ها پس از شانزده چرخش آزمایشی به بهترین ترکیب ساختار و سوال ها رسیده است که نتایج آن در جدول زیر به طور خلاصه مشاهده می شود.

جدول ۴: خلاصه ای از تحلیل عوامل پس از چرخش

سوال ها	سوال های	سوال های	سوال های	سوال های
عامل ۵	عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱
۱۴	۱	۱۸	۴	۶
۱۶	۳	۱۹	۹	۸
۱۷	۵	۳۲	۱۰	۱۱
۳۶	۷	۳۸	۱۵	۱۳
۵۴	۲۳	۵۲	۳۷	۲۰
	۲۸	۵۵	۳۹	۲۱
	۳۳	۵۷	۴۰	۲۲
	۵۸		۴۱	۲۴
			۴۲	۲۶
			۴۳	۲۷
			۴۵	۲۹
			۴۶	۳۱
			۴۷	۳۴
			۵۱	۳۵
			۵۶	۴۴
				۴۸
				۴۹
				۵۳

انطباق سوال های مربوط به عامل ها با توجه به عوامل طرح شده در پرسشنامه ی محقق ساخته، نشان می دهد، عامل اول شناسایی شده که دارای ۱۸ سوال است همان عامل L (محبت) است؛ عامل دوم که دارای ۱۵ سوال است، همان خرده مقیاس P (قدرت) است؛ عامل سوم که دارای ۸ سوال است با خرده مقیاس F (آزادی) مطابقت دارد؛ عامل چهارم با هفت سوال، خرده مقیاس S (بقا) و عامل

پنجم با پنج سوال، خرده مقیاس FU (تفریح) را منعکس می سازد. جدول ۵، کل واریانس تبیین شده توسط عوامل پس از چرخش را نشان می دهد.

جدول ۵: واریانس کل تبیین شده توسط عوامل پس از چرخش

مجموعه	مجموع مجذور بارها بعد از چرخش		مولفه
	درصد واریانس	درصد مجموع	
۱۰/۸۴۴	۱۹/۳۶۳	۱۹/۳۶۳	۱
۱۰/۱۲۱	۳۷/۴۳۷	۱۸/۰۷۳	۲
۸/۲۱۹	۵۲/۱۱۳	۱۴/۶۷۶	۳
۵/۰۲۴	۶۱/۰۸۵	۸/۹۷۲	۴
۳/۵۸۵	۶۷/۴۸۷	۶/۴۰۲	۵

همانطور که مشاهده می شود، ۳۶/۱۹ درصد واریانس کل، توسط عامل اول؛ ۰۷/۱۸ درصد، توسط عامل دوم؛ ۶۸/۱۴ درصد، توسط عامل سوم؛ ۹۷/۸ درصد توسط عامل چهارم و ۴۰/۶ درصد واریانس کل نیز توسط عامل پنجم تبیین می شود. در مجموع، این پنج عامل، ۴۹/۶۷ درصد واریانس کل پرسشنامه را تبیین می کند. نتایج، نشان داد که ضریب پایایی کل پرسشنامه، برابر ۸۵/۰ است.

جدول ۶: نرم آزمون رضایت مندی زناشویی به تفکیک جنسیت

طبقه	نمره ی T مردان		نمره ی T زنان	میانگی
	نمره ی T مردان	نمره ی T مردان		
۷۰-۸۹	۷۹/۵	۲۷/۵	-	
۹۰-۱۰۹	۹۹/۵	۳۰	۲۴	
۱۱۰-۱۲۹	۱۱۹/۵	۳۲/۵	۲۷	
۱۳۰-۱۴۹	۱۳۹/۵	۳۵	۲۹/۵	
۱۵۰-۱۶۹	۱۵۹/۵	۳۷/۵	۳۲	
۱۷۰-۱۸۹	۱۷۹/۵	۴۰	۳۵	
۱۹۰-۲۰۹	۱۹۹/۵	۴۲/۵	۳۷/۵	
۲۱۰-۲۲۹	۲۱۹/۵	۴۵	۴۰	
۲۳۰-۲۴۹	۲۳۹/۵	۴۷/۵	۴۳	

ادامه جدول

۲۵۰-۲۶۹	۲۵۹/۵	۵۰	۴۵
۲۷۰-۲۸۹	۲۷۹/۵	۵۲/۵	۴۸
۲۹۰-۳۰۹	۲۹۹/۵	۵۵	۵۰/۵
۳۱۰-۳۲۹	۳۱۹/۵	۵۷/۵	۵۳
۳۳۰-۳۴۹	۳۳۹/۵	۶۰	۵۶
۳۵۰-۳۶۹	۳۵۹/۵	۶۲/۵	۵۸/۵
۳۷۰-۳۸۹	۳۷۹/۵	۶۵	۶۱
۳۹۰-۴۰۹	۳۹۹/۵	۶۷/۵	۶۴
۴۱۰-۴۲۹	۴۱۹/۵	۷۰	۶۶/۵
۴۳۰-۴۴۹	۴۳۹/۵	۷۲/۵	۶۹

حداقل نمره ی زنان=۷۷، حداکثر نمره ی زنان=۴۴۸، میانگین زنان~۲۵۹، انحراف استاندارد زنان~۸۰
حداقل نمره ی مردان=۹۱، حداکثر نمره ی مردان=۴۴۲، میانگین مردان~۲۹۵، انحراف استاندارد مردان~۷۶

مشخصات روان سنجی این پرسشنامه، حکایت از اعتبار و پایایی آن دارد، به گونه ای که می توان از آن برای رسیدن به اهداف علمی و پژوهشی، استفاده نمود. البته باید گفت عوامل و متغیرهای متعددی در میزان رضایتمندی زناشویی موثرند که این عوامل در پرسشنامه ی محقق ساخته، نزدیک به ۶۵ درصد واریانس کل را تبیین می کند. به همین جهت، درصدی از واریانس ناشناخته است. بنابراین، در تفسیر نتایج، به این محدودیت مهم باید توجه کرده و به عبارتی تفسیر نتایج را با نتایج سایر ابزارهای مناسب، همراه کرد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، تحت عنوان ساخت و هنجاریابی پرسشنامه ی رضایت مندی زناشویی و با هدف ساختن ابزاری مناسب به منظور اندازه گیری سطح رضایت مندی زناشویی در بین دانشجویان صورت گرفته است. ابتدا مبانی نظری و سوابق تحقیقات انجام شده درخصوص رضایتمندی زناشویی به طور دقیق مورد بررسی قرار گرفت. از بین نظریه های موجود، نظریه ی گلاسر به منظور ساخت ابزار مذکور در نظر گرفته شد. همچنین، پرسشنامه های رضایت مندی زناشویی که تاکنون توسط محققین دیگر طراحی و هنجاریابی شده، مورد بازبینی قرار گرفت. در طول زندگی مشترک متغیرهای گوناگونی از جمله درآمد، اشتغال، سلامت فرزندان، بیماری و رضایت مندی جنسی بر

نحوه ی ارتباط زوجین با یکدیگر تاثیر می گذارد (فلوید^۱ و همکاران، ۱۹۹۸؛ کومینگ و اوریلی^۲، ۱۹۹۷)، مطالعات نشان داده است که سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تاثیر می گذارد. روابط زناشویی رضایت بخش، زیربنای عملکرد خوب خانواده است و باعث رشد شایستگی و توانایی سازگاری و انطباق در بین کودکان می شود. تحقیقات اخیر نشان داده اند که احترام متقابل، همخوانی باورهای زوج، سن، ازدواج، مدت زمان زندگی مشترک و تعداد فرزندان در رضایت مندی زناشویی موثر است (فنکنور^۳ و همیزمن، ۲۰۰۰).

الگوهای شناختی نیز، میزان رضایتمندی زناشویی را تعیین می کنند (فینچام^۴ و دیگران، ۲۰۰۰). برخی از پژوهشگران سبک های شناختی زوجین و ثبات روابط زناشویی را در گرو سوگیری های شناختی آنان می دانند (کارر^۵ و همکاران، ۲۰۰۰). به اعتقاد گاتمن^۶ و همکاران (۱۹۹۸) ادراک (شناخت)، فیزیولوژی و رفتار سه پایه اساسی تداوم زندگی زناشویی است و ادراک زوجین از یکدیگر مهمترین آنها به حساب می آید. بوهلمن^۷ و گاتمن (۱۹۹۶) نیز اعتقاد دارند که ادراک زوجین نسبت به یکدیگر می تواند آینده و نوع رابطه زناشویی آنان را پیش بینی کند. پژوهشگران معتقدند که تغییرات شناختی هر یک از زوجین می تواند موجب افزایش میزان رضایتمندی زناشویی و احساس بهتر زوجین نسبت به یکدیگر شود (فینچام و بیچ^۸، ۱۹۹۹). بر اساس نظریه ی گلاسر رضایت مندی زناشویی را می توان در پنج بعد محبت، قدرت، آزادی، بقا و تفریح مشخص نمود. مشخصات روانسنجی این پرسشنامه، بیانگر اعتبار و پایایی مناسب این پرسشنامه است و می توان از آن برای رسیدن به اهداف علمی و پژوهشی، استفاده نمود. البته باید گفت عوامل و متغیرهای متعددی در میزان رضایتمندی زناشویی موثرند که عوامل شناسایی شده در پرسشنامه ی محقق ساخته، نزدیک به ۶۵ درصد واریانس کل آن را تبیین می کند. به همین جهت هنوز درصدی از واریانس ناشناخته است. لذا توصیه می شود تا در تفسیر نتایج، به این محدودیت مهم توجه کرده و تفسیر، با نتایج سایر ابزارهای مناسب، همراه شود.

References

- Adelman, P. K., Chadwick, K., & Baerger, D. R. (1996). Marital quality of black and white adults over the life course. *Journal of Social and Personal Relationships, 13*, 361-384.
- Afrouz, G. A. (2009). *Family Psychology, great partners*. Tehran: PTA.

1. Floyd
2. Cumming & O'Reilly
3. Finkenaure

4. Fincham
5. Carrere
6. Gottman

7. Buhlman
8. Beach

- Afrouz, G. A. (2010). *Psychological foundations of marriage in the context of culture and Islamic values*. Tehran: Tehran University.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Assessing relationship standards: The inventory of specific relationship standards. *Journal of Family Psychology, 10*, 72-88.
- Buehlman, K. T., & Gottman, J. M. (1996). *Theoral history coding system*. (In J. Gottman (Ed.), *What predicts divorce? The measures*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Carrère, S., Buehlman, K. T., Gottman, J. M., Coan, J., & Ruckstuhl, L. (2000). Predicting marital stability and divorce in newlywed couples. *Journal of Family Psychology, 14*, 42-58.
- Cumming, S. M., & O'Reilly, W. A. (1999). *Fathers in family context: effects of marital quality on child adjustment in the role of the father in child Development*. 1st ed. New York: John Wiley and sons; 1997. Pp: 863-891.
- Fincham, F. D., & Beach, S. K. (1999). Implications for working with couples. *Annual review of Psychology, 50*, 47-77.
- Fincham, F. D., Harold, G. T., & Gano-Philips, S. (2000). The longitudinal association between attributions and marital satisfaction. *Journal of family psychology, 14* (2), 267-285.
- Finkenaure, C & Hazman, H. (2000). Disclosure secrecy in Marriage: Do Both and contribute to Marital satisfaction? *Journal of social and Oersonal relationship, 17*.
- Floyd, F. J., Gilliom, L. A., & Costigan, C. L. (1998). Marriage and the parenting alliance: longitudinal prediction of change in parenting perceptions and behaviors. *Child Development, 69* (5), 1461- 79.
- Ghodrati, M. (2009). *Relationship between marital satisfaction and creativity amongst parents of gifted students working in GAT, grant-maintained and independent Schools*. (Doctoral dissertation, Islamic Azad University, Science and Research branch).
- Glasser, W. (2003). *Choice theory*. Translated by: M. Firouz Bakht. (2005). Tehran: Rasa.
- Gottman, J. M. (1993). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology, 7*, 57-75.
- Gottman, J. M. (1994). *Why marriages succeed or fail*. New York: Simon & Schuster.
- Gottman, J. M., & Krokoff, L. J. (1989). The relation between marital interaction and marital satisfaction: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 57*, 47-52.
- Gottman, J. M., Coan, J., Carrère, S., & Swanson, C. (1998). Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions. *Journal of Marriage and the Family, 60*, 5-22.

- Greef, A. P. (2000). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Psychology, 21*(8), 948-963.
- Kaiser, H. F. (1974). An index of factorial simplicity. *Psychometrika, 39*, 31-36.
- Klein, P. (1994). *Easy Guide to Factor Analysis*. Translated by: S. J. Sadrosadat, & A. Minayi. (2001). Tehran: SAMT.
- Orathinkal, J., & Vansteewegen, A. (2006). The effects of forgiveness on marital satisfaction in relation to marital stability. *Contemporary Family Therapy, 28*, 251-260.
- Sappington, A. (1989). *Mental Health*. Translated by: H. R. Hossein Shahi. (2006). Tehran: Ravan.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (1996). *Using multivariate statistics* (3rd edition). New York: Harpercollins.
- Wilson, G. L., Bornstein, P. H., & Wilson, L. J. (1998). Treatment of relationship dysfunction: An empirical evaluation of group and conjoint behavioral marital therapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 56*(6), 929-931.
- Winch, R. F. (1985). *Mate selection: A study of complementary needs*. New York: Harper & Row.
- Wood, R. G., Goesling, B., & Avellar, S. (2007). *The Effects of Marriage on Health: A Synthesis of Recent Research Evidence*. Washington, DC: U. S. Department of Health and Human Services, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation, Office of Human Services Policy.